إعرف الحق تعرف أهله

۱۳

سلسله پژوهش های اعتقادی

نگاهی به حدیث غدیر

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بسم الله الرحمن الرحيم

سلسله پژوهش های اعتقادی

نویسنده:

علی الحسینی المیلانی

ناشر چاپی:

مرکز حقایق اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر المجلد ۱۳ ----- ۷

مشخصات کتاب ----- ۷

سرآغاز ... ص: ۷ ----- ۷

پیش‌گفتار ... ص: ۱۳ ----- ۸

بخش یکم نگاهی به متن غدیر ... ص: ۲۳ ----- ۱۱

متن حدیث غدیر ... ص: ۲۳ ----- ۱۱

اشارهٔ ----- ۱۱

نکاتی ارزنده ... ص: ۲۶ ----- ۱۳

بخش دوم کوشش‌های در اثبات حدیث غدیر ... ص: ۳۵ ----- ۱۵

اثبات حدیث غدیر ... ص: ۳۵ ----- ۱۵

اشارهٔ ----- ۱۶

۱. غدیر از دیدگاه قرآن ... ص: ۳۵ ----- ۱۶

۲. شمار راویان حدیث غدیر از صحابه ... ص: ۳۸ ----- ۱۷

۳. راویان حدیث غدیر از تابعین ... ص: ۳۸ ----- ۱۷

۴. اسناد حدیث غدیر ... ص: ۳۹ ----- ۱۷

نگاهی به راویان حدیث غدیر ... ص: ۴۲ ----- ۱۸

چرا اهل سنّت حدیث غدیر را نقل نکرده‌اند ...؟ ص: ۴۶ ----- ۲۰

تواتر لفظی حدیث غدیر ... ص: ۵۰ ----- ۲۲

حدیث غدیر بیان‌گر امامت امیرالمؤمنین ... ص: ۵۳ ----- ۲۳

چکیده ... ص: ۵۶ ----- ۲۵

بخش سوم تلاش‌های ناکارآمد برای بی اعتبار کردن حدیث قدیر ... ص: ۶۱ ----- ۲۶

تلاش‌های ناکارآمد ... ص: ۶۱ ----- ۲۶

اشارهٔ ----- ۲۶

۱. علی علیه السلام در حجّهٔ الوداع نبوده است ...! ص: ۶۲ ----- ۲۶

۲. مناقشه در صحّت حدیث غدیر ... ص: ۶۴ ----- ۲۷

۳. ادّعای عدم تواتر «حدیث غدیر ...» ص: ۶۵ ----- ۲۷

۴. آیا کلمه «مَوْلی» در کلام عرب به معنای «اوْلی» آمده است ...؟ ص: ۶۶ ----- ۲۸

۵. «حدیث غدیر» بر امامت بلا فصل، دلالت نمی‌کند ...! ص: ۷۰ ----- ۳۰

پاسخ از اشکال ... ص: ۷۱ ----- ۳۰

۶. آیا «حدیث غدیر» بر امامت باطنی دلالت می‌کند ...؟ ص: ۷۳ ----- ۳۱

کتابنامه ... ص: ۷۷ ----- ۳۲

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۳۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر المجلد ۱۳

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶ -

عنوان قراردادی: حدیث الغدیر.فارسی

عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به حدیث غدیر/ علی حسینی‌میلانی؛ ترجمه و ویرایش هیئت تحریریه مرکز حقایق اسلامی.

مشخصات نشر: قم: مرکز حقایق اسلامی، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۷۹ ص.

فروست: سلسله پژوهش های اعتقادی؛ ۱۳.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۴۸-۰۳-۳

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: A glance on Ghadir narration.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۷۷-۷۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: علی‌بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- .اثبات خلافت

موضوع: احادیث خاص (غدیر) -- نقد و تفسیر.

موضوع: غدیر خم، خطبه

شناسه افزوده: مرکز الحقائق الاسلامیه

رده بندی کنگره: BP۲۲۳/۵/ح۵۳ ح۴۰۴۱ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۰۱۲۴۱

سرآغاز ... ص: ۷

بسم اللَّه الرّحمن الرّحيم

...آخرین و کامل‌ترین دین الهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمّد مصطفی صلّی اللَّه علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الهی با نبوّت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکّه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلّی اللَّه علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیرهٔ العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الهی در هجدهم ذی الحجّه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منّان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دینِ مورد

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۸

پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلّی اللَّه علیه وآله،- با توطئه‌هایی از پیش مهیّا شده- مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیّر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس‌های شیطانی، حقایق اسلام را- که همچون آفتاب جهان‌تاب بود- پشت ابرهای سیاه شکّ و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه‌ها، حقایق اسلام و سخنان دُرَرْبار پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله، توسّط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه‌ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی‌ها، شبهه‌ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته‌اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سیّد مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علّامه حلّی، قاضی نوراللَّه، میر حامد حسین، سیّد شرف‌الدین، امینی و ... همچون ستارگانی پرفروز می‌درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۹

واقعیّات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ‌گویی شبهات پرداخته‌اند...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رَسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت اللَّه سیّد علی حسینی میلانی، می‌باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقّق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظّمٌ له، آن‌ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظّمٌ له است که اینک "فارسی زبانان "را با حقایق اسلامی آشنا می‌سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیّهٔ اللَّه الأعظم، حضرت ولیّ عصر، امام زمان عجل اللَّه تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۱۳

بسم اللَّه الرّحمن الرّحیم

الحمد للَّه ربّ العالمین، والصّلاهٔ والسّلام علی سیّدنا ونبیّنا محمّد وآله

الطیّبین الطّاهرین، ولعنهٔ اللَّه علی أعدائهم أجمعین من الأوّلین والآخرین.

پیش‌گفتار ... ص: ۱۳

از حدیث‌هایی که همواره مورد توجّه اندیشمندان بوده «حدیث غدیر» است. حدیث شریفی که در سایه اهتمام خدای سبحان، پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله، ائمّه اطهار علیهم السلام و بزرگان صحابه دارای جایگاه ویژه‌ای بوده است. از این رو اندیشمندان اسلامی در قرون متمادی به آن پرداخته‌اند. در قرآن کریم می‌خوانیم:

«یا أَیُّهَا الرَّسُوْلُ بَلِّغْ ما انْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ»؛ «۱»

ای پیامبر! آن چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است، به مردم ابلاغ کن.

(۱). سوره مائده: آیه ۶۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۱۴

این آیه کریمه از آیات مربوط به «روز غدیر» است. خداوند متعال پیش از این آیه می‌فرماید:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ* وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَاةَ وَالإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِم مِن رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ»؛ «۱»

و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، گناهان آنان را می‌بخشیدیم و آنان را در بهشت پرنعمت وارد می‌ساختیم. و اگر آنان به تورات و انجیل و آن چه از پروردگارشان بر آن‌ها نازل شده برپا می‌داشتند، به طور حتم از نعمت‌های آسمانی و زمینی برخوردار می‌شدند. عدّه‌ای از آنان مردمانی معتدل و میانه‌رو و بسیاری از آنان بدکردارند.

هم چنین در آیه بعد از آیه غدیر می‌فرماید:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَاةَ وَالإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِن رَبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيراً مِنْهُم مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِن رَبِّكَ طُغْيَاناً وَكُفْراً فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»؛ «۲»

---

(۱). سوره مائده: آیات ۶۵ و ۶۶.

(۲). سوره مائده: آیه ۶۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۱۵

(ای پیامبر!) به اهل کتاب بگو: شما هیچ جایگاهی (نزد خدا) ندارید مگر این که تورات، انجیل و آن چه را که از جانب پروردگارتان بر شما نازل شده برپا دارید، ولی به یقین آن چه بر تو از سوی پروردگارت نازل شده بر طغیان و کفر بسیاری از آنان می‌افزاید. بنا بر این بر حال قوم کافر افسوس مخور!

گرچه آیه غدیر در سیاق آیه‌هایی است که خداوند اهل کتاب را مورد خطاب قرار داده است؛ ولی به طور کامل و بدون کم و کاست قابل تطبیق بر امّت رسول خدا صلی اللّه علیه وآله نیز می‌باشد. به این بیان که اگر امّت اسلام ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند، همانا گناهانشان را می‌بخشیدیم و آنان را در بهشت پرنعمت وارد می‌کردیم. اگر آنان به دستورات قرآن و سخنان رسول خدا صلی اللّه علیه وآله به طور کامل عمل می‌نمودند و آن چه را که در قرآن درباره امیر مؤمنان علی علیه السلام و اهل بیت طاهرین علیهم السلام نازل شده است بر دیده نهاده و با جان و دل می‌پذیرفتند، به طور حتم از نعمت‌های آسمانی و زمینی بهره‌مند می‌شدند، و از امّت اسلام نیز برخی معتدل و میانه‌رو و بسیاری بدکردارند.

به تعبیر دیگر، خداوند متعال پیش از آیه غدیر می‌فرماید:

«وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَاةَ وَالإِنْجِيلَ»؛

و اگر اهل کتاب تورات و انجیل را اقامه می‌کردند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۱۶

و بعد از آیه غدیر می‌فرماید:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيءٍ حتّى تُقِيمُوا التَّوْرَاةَ والإنْجِيْلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِن رَبِّكُمْ»؛

بگو ای اهل کتاب! شما هیچ جایگاهی (نزد خدا) ندارید مگر این که تورات، انجیل و آن چه را که از جانب پروردگارتان بر شما نازل شده برپا دارید.

با این وجود می‌فرماید:

«لَيَزِيْدَنَّ كَثيراً مِنْهُمْ ما انْزِلَ إلَيكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْياناً وَكُفْراً فلا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الكافِرين»؛

ولی به یقین آن چه بر تو از سوی پروردگارت نازل شده بر طغیان و کفر بسیاری- از این امت- می‌افزاید. بنا بر این بر حال این قوم کافر افسوس مخور!

با تطبیقی که گذشت، ترجمه این فراز از آیه چنین خواهد بود:

آن سان که اهل کتاب پیش از نزول قرآن مأمور به عمل کردن به کتاب‌هایشان بودند- یهودیان مأمورند به تورات عمل کنند و نصرانی‌ها به انجیل- مسلمانان نیز موظّف‌اند که به کتاب خدا و سنّت پیامبرشان پایبند باشند که با التزام عملی به کتاب و سنّت، برکات آسمان و زمین بر آنان خواهد بارید؛ ولی افسوس که آن چه از جانب

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۱۷

خداوند متعال بر رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله نازل شد، به جای آن که در عمل به دستورات قرآن و سنّت پایبند شوند، بر طغیان و کفر آنان افزود!

بنا بر این در میان آیاتی که خداوند متعال بر پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرو فرستاده، واقعه غدیر از جلوه خاصّی برخوردار است؛ چرا که خداوند متعال در آیه ابلاغ (واقعه غدیر) با بیانی قاطع و خطابی توأم با تهدید، رسول برگزیده خویش را مخاطب قرار می‌دهد و می‌فرماید:

«يا أَيُّهَا الرَّسُوْلُ بَلِّغْ ما انْزِلَ إلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»؛ «۱»

ای پیامبر! آن چه از پروردگارت بر تو نازل شده است به مردم برسان و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای.

شاهد دیگر بر مسأله نصب امیرالمؤمنین علیه السلام به جانشینی پس از رسول اکرم صلی اللَّه علیه وآله، سخن خود رسول خدا است که در خانه حضرت ابوطالب علیه السلام مطالبی در این باره فرمود که به «حدیث یوم الانْذار» و یا «حدیث الدّار» معروف شد. «۲» پیامبر در آن روز

---

(۱). سوره مائده: آیه ۶۷.

(۲). این واقعه، در اوایل بعثت پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله در مکّه و در خانه ابوطالب علیه السلام که بزرگ بنی هاشم بود رخ داد و مأموریّت رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در آن روز، انذار نزدیکانش پیش از انذار دیگران بود، و انذار نیز در برابر بشارت است.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه به پژوهشی که به نام حدیث الدار انجام داده‌ایم، مراجعه کنید.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۱۸

چنین فرمود:

أمرني ربّي بأن ابلّغ القوم ما امرت به، فضقت بذلك ذرعاً حتّى نزل جبرئيل وقال: إن لم تفعل لم تبلّغ ما ارسلت به؛ «۱»

پروردگارم به من امر فرموده است که آن چه را که مأمور به آن شده و برای آن فرستاده شده‌ام به مردم برسانم (و از این که مبادا مردم انکار کنند) از این فرمان دلتنگ شدم، تا این که جبرئیل نازل شد و از جانب خداوند چنین فرمان آورد که اگر آن چه را مأمور به تبلیغ آن شده‌ای انجام ندهی، مأموریّت و رسالتی را که بدان برانگیخته شده‌ای انجام نداده‌ای.

بنا بر آن چه بیان شد، شواهد بالا- به ویژه داستان خانه ابوطالب علیه السلام و نیز شواهد بسیار دیگری که در جای خود آمده، بیانگر این است که ابلاغ امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و خلافت نخستین امام شیعیان، از مهم‌ترین اموری بود که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله از آغاز دعوت تا واپسین لحظات زندگی خویش، از طرف

(۱). معالم التنزیل: ۴/ ۳۷۸ و ۲۷۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۱۹

خداوند متعال به آن مأمور بوده است؛ چرا که آیه تبلیغ در سوره مائده است و این سوره به اتفاق نظر همه مسلمانان آخرین سوره از قرآن است که نازل شده است.

قُرْطُبی در تفسیر خود، به صراحت ادّعای اجماع می‌کند که سوره مائده، آخرین سوره‌ای است که نازل شده و برخی از آیات آن نیز در حجّةُ الوداع نازل شده است. «۱» همان طور که در روایات شیعه نیز به این مطلب تصریح شده است.

با وجود چنین اجماع و نصّی، رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در تمام دوران رسالت مبارك و خجسته خود، در کنار فراخوانی مردم به ایمان به خدای تعالی و رسالت خویش، آنان را به خلافت بلا فصل امیرالمؤمنین علیه السلام پس از خودش دعوت فرموده و این امر الهی را به آنان ابلاغ می‌نمود.

حدیث غدیر، از جهات متعددی دارای عظمت و جلالت است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌نماییم:

۱. شرایط خاصّی که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله خطبه غدیر را در آن شرایط ایراد فرموده است.

---

(۱)

. الجامع لاحکام القرآن: ۶/ ۳۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۲۰

۲. سخنانی که در ضمن این خطبه از زبان پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله جاری شده است، بدون هیچ گونه شكّ و شبهه‌ای از نظر فنون زبان عرب دلالت بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌نماید.

۳. آیاتی از قرآن کریم که درباره واقعه غدیر نازل شده است.

گفتنی است که عدّه بسیاری از اندیشمندان در ماندگاری و نقل و نشر این حدیث شریف متحمّل زحمات طاقت فرسایی شده‌اند؛ همان گونه که منکران آن نیز در ردّ، کتمان و بی‌اهمیّت جلوه دادن این حدیث از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند.

ما در این پژوهش به طور گذرا حدیث غدیر را در سه بخش بررسی خواهیم کرد:

۱. نگاهی به متن حدیث غدیر؛

۲. کوشش‌هایی در اثبات حدیث غدیر؛

۳. تلاش‌هایی ناکارآمد برای بی‌اعتبار کردن حدیث غدیر.

سیّد علی حسینی میلانی

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۲۳

بخش یکم نگاهی به متن غدیر ... ص: ۲۳

متن حدیث غدیر ... ص: ۲۳

اشارهٔ

پیش از آن که به بررسی سند «حدیث غدیر» بپردازیم و دلالت آن را بر خلافت و جانشینی بلافصل مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام

توضیح دهیم، ناگزیریم به دو متن از حدیث غدیر که در مصادر معتبر اهل تسنّن آمده است اشاره نماییم:

به روایت احمد بن حنبل

احمد بن حنبل در کتاب مسند خود، به سند صحیح از زید بن ارقم چنین نقل می کند:

همراه رسول خدا صلی اللّه علیه وآله در سرزمینی به نام «خمّ» فرود آمدیم. پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله به نماز امر فرمود و در شدّت گرما نماز را به پا داشت و پس از آن برای ما خطبه‌ای ایراد فرمود. برای آن سرور- با پارچه‌ای که بر درخت تنومندی انداخته بودند- سایبانی آماده شد.

آن بزرگوار در ضمن خطبه‌اش چنین فرمود:

ألستم تعلمون؟ ألستم تشهدون أنّی أولی بکلّ مؤمن من نفسه؟؛

آیا نمی‌دانید؟ آیا شهادت نمی‌دهید که من به هر مؤمنی از خودش (در تمام امور) سزاوارترم؟

همه مخاطبان در جواب گفتند: آری.

حضرت فرمود:

فمن کنت مولاه فإنّ علیّاً مولاه. اللهمّ عاد من عاداه ووال من والاه؛ «۱»

هر که من مولا و سرپرست او هستم، پس علی مولا و سرپرست اوست. خدایا! دشمن بدار هر که با علی دشمنی ورزد؛ و دوست بدار آن که با او از در دوستی درآید.

به روایت نَسائی

این روایت را نَسائی، نویسنده کتاب سنن، به سند صحیح از ابوالطّفیل، از زید بن ارقم چنین نقل می کند:

هنگامی که رسول خدا صلی اللّه علیه وآله از حجّة الوداع مراجعت می‌فرمود، در غدیر خمّ فرود آمد. امر فرمود که زیر درختان آن جا را

---

(۱). مسند احمد بن حنبل: ۵/ ۵۰۱، حدیث ۱۸۸۳۸.

جاروب کردند، سپس فرمود:

کأنّی قد دعیت فأجبت وإنّی تارک فیکم الثقلین، أحدهما أکبر من الآخر: کتاب اللّه وعترتی أهل بیتی، فانظروا کیف تخلّفونی فیهما، فإنّهما لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض؛

گویا به سوی حقّ تعالی فرا خوانده شده‌ام؛ از این رو دعوت او را اجابت کردم. به راستی که من در میان شما دو گوهر گرانبها به جای می گذارم که یکی از آن دو بزرگ‌تر از دیگری است: قرآن کتاب خدا و عترتم که اهل بیت من هستند. پس توجّه داشته باشید که پس از من با آن دو چگونه رفتار خواهید کرد. همانا آن دو هرگز از یک‌دیگر جدا نمی‌شوند تا این که در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

سپس فرمود:

إنّ اللّه مولای وأنا ولیّ کلّ مؤمن؛

به راستی که خداوند مولا و سرپرست من است و من ولیّ و سرپرست هر مؤمنی هستم.

آن گاه دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود:

من كنت وليّه فهذا وليّه. اللهمّ وال من والاه وعاد من عاداه؛

هر كس من سرپرست او هستم، پس اين (على) سرپرست اوست.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۲۶

خدايا! دوست بدار كسى كه او را دوست دارد، و دشمن باش با كسى كه با او دشمنى ورزد.

ابوالطّفيل مى گويد: به زيد بن ارقم گفتم: آيا خودت اين كلام را از رسول خدا صلى اللَّه عليه وآله شنيدى؟

زيد گفت: به راستى كه «۱» در آن سرزمين در زير آن درختان كسى نبود مگر اين كه با چشمانش آن حضرت را ديد و با گوش‌هايش اين كلام را از او شنيد. «۲» آن چه بيان شد دو متن از حديث شريف غدير بود كه به سند معتبر از زيد بن ارقم نقل شد.

نكاتى ارزنده ... ص: ۲۶

اكنون توجّه به چند نكته ضرورى است كه به آن‌ها اشاره مى‌شود:

نكته يكم. حديث غدير در صحيح مسلم، مسند احمد و در بسيارى از منابع حديثى اهل تسنّن چنين آمده است كه راوى گويد: رسول خدا صلى اللَّه عليه وآله براى ما خطبه خواند. «۳»

---

(۱)

. در برخى از منابع آمده است: به خدا سوگند!

(۲). فضائل الصحابة: ۱۵، حديث شماره ۴۵، خصائص اميرالمؤمنين عليه السلام: ۹۶، حديث ۷۹.

(۳). ر. ك: صحيح مسلم: ۴/ ۱۸۷۳، حديث ۳۶، مسند احمد بن حنبل: ۵/ ۴۹۸، حديث ۱۸۸۱۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۲۷

در تعبير ديگر، راوى مى گويد: پيامبر خدا صلى اللَّه عليه وآله برخاست و براى ما خطبه خواند؛ ولى در المستدرك آمده است: پس پيامبر خدا صلى اللَّه عليه وآله برخاست و خطبه خواند و در آن خطبه حمد و ثناى الهى را به جاى آورد و مردم را به آن چه كه خدا مى‌خواست موعظه كرد. «۱» حافظ ابوبكر هيثمى در مجمع الزّوائد مى‌نويسد: راويان گويند: به خدا سوگند! پيامبر تمام امورى را كه تا روز رستاخيز واقع مى گردد براى ما بازگو كرد. «۲» اكنون حق ما نيست كه از راويان، محدّثان و كسانى كه خود را امين بر سنّت رسول خدا صلى اللَّه عليه وآله قلمداد مى كنند بپرسيم كه به راستى اين خطبه‌اى كه پيامبر خدا صلى اللَّه عليه وآله در روز غدير ايراد فرموده و تمام امورى را كه تا روز رستاخيز رخ خواهد داد بيان نموده كجاست؟

چرا از نقل اين خطبه خوددارى كرده‌اند؟

آيا اين پرسش، پرسشى بى‌جا و بى‌مورد است؟

آيا تاريخ اين حقّ مسلّم را به نسل‌هاى آينده نمى‌دهد كه درباره

---

(۱). المستدرك: ۳/ ۱۱۰.

(۲). مجمع الزّوائد: ۹/ ۱۰۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۲۸

عدم نقل چنين ميراث گرانبهايى (كه بنا بر نقل مجمع الزّوائد هيثمى مشتمل بر جميع وقايع آينده و امور مهمّ مربوط به سرنوشت اين

امّت بود) گذشتگان را مورد مؤاخذه قرار بدهند؟ چرا و به چه دلیل از نقل این اثر گران قیمت خودداری ورزیدند؟
پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله در آن خطبه حمد و ثنای الهی را به جای آورد و مردم را به آن چه که خدا می‌خواست موعظه کرد.
پس مواعظ رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در روز غدیر چه شد؟
تذکّرات آن سرور در آن روز چه شد؟
چرا خطبه را ترک کرده و نقل نکردند؟
مگر اینان حافظان سنّت رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله نبودند؟
مگر وظیفه مسلّم آنان نقل فرمایشات دُرَربار آن سرور عالمیان برای امّت نبود؟
چه شـد که با خودداری از نقل چنین میراث پربهایی خسارتی جبران ناپـذیر بر پیکره ذخایر علمی این امّت وارد نمودند؟ آیا جوابی قانع کننده برای این خطای گذشت ناپذیر می‌توانند ارائه دهند؟
نکته دوم. در علم حدیث، قانونی وجود دارد که می گویند:
الحدیثُ یُفَسِّرُ بَعْضُهُ بعضاً؛
برخی از حدیث‌ها، برخی دیگر را تفسیر و بیان می‌نمایند.
سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۲۹
یعنی حدیث به سان قرآن است، آن سان که برخی از آیات قرآن مفسّـِر و مبیّن آیات دیگری است و پرده اجمال و ابهام را از آیات دیگر برمی‌دارد؛ در روایات نیز همین گونه است.
بـا توجه به دو متن حـدیثی که بـا سـند صـحیح ارائه شـد؛ متن یکی، متن دیگری را تفسـیر می کنـد؛ به این بیان که در یک نقل آن می‌فرماید:
من کنت مولاه فإنّ علیّاً مولاه؛
و در نقل دیگری می‌فرماید:
من کنت ولیّه فهذا ولیّه؛
به عبـارت دیگـر، در یـک نقـل واژه «مَوْلی» و در نقـل دیگر واژه «ولیّ» به کـار برده شـده است. بنا بر این اگر کسـی در معنای واژه «مَوْلی» تشـکیک نمایـد و بگویـد: مولی در این حـدیث شـریف به معنـای «ولیّ» یا «اوْلی» نیست، به طور مسلّم وجود «ولیّ» در نقل دوم، جایی برای این تشکیک باقی نمی گذارد.
البتّه در جای خود، شاهدهای بسیاری در نقل‌های مختلف- که از نظر سـندی صحیح هستند- متن حدیث غدیر وجود دارد که تمام آن‌هـا مفسِّر و مبیّن کلمه «مَوْلی» هسـتند. همـان گونه که اشـاره شـد این‌هـا بر فرض آن است که مـا در فهم معنـای کلمه «مَوْلی» در حدیث غدیر دچار تردید و ابهام شده و محتاج به تفسیر، بیان و اقامه شاهد باشیم که در این
سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۳۰
صـورت از این قرائن به اصـطلاح «منفصـله» اسـتفاده خـواهیم کرد و حـال آن که در خود نقلی که کلمه «مَوْلی» موجود است، قرائن متّصله بسیاری است که جایی برای ابهام این لفظ باقی نمی گذارد.
نکته سوم. مسـلم بن حَجّاج قُشَیری نیشابوری نیز در صـحیح خود به نقل حـدیث شـریف غـدیر پرداخته بی‌آن که آن را نقل نماید؛ یعنی فقط به نقل ابتدای حدیث که همان مضـمون حدیث ثقلین است بسـنده کرده، در صورتی که بنا بر نقل نَسائی پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:
کـأنّی قـد دعیت فـاجبت وإنّی تـارک فیکم الثقلین، أحـدهما أکبر من الآخر: کتـاب اللّه وعترتی أهـل بیتی، فـانظروا کیف تخلّفونی

فیهما، فإنّهما لن یفترقا حتّی یردا علی الحوض؛

گویا به سوی حقّ تعالی فرا خوانده شده‌ام؛ از این رو دعوت او را اجابت کردم. به راستی که من در میان شما دو گوهر گرانبها به جای می‌گذارم، یکی از آن دو بزرگ‌تر از دیگری است: قرآن کتاب خدا و عترتم که اهل بیت من هستند. پس توجّه داشته باشید که پس از من با آن دو چگونه رفتاری خواهید کرد. همانا آن دو هرگز از یک‌دیگر جدا نمی‌شوند تا این که در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۳۱

آن گاه حضرتش فرمود:

إنّ اللّه مَوْلایَ وأنا ولیُّ کُلِّ مُؤْمِنٍ؛ «... ۱»

به راستی که خداوند مولا و سرپرست من است ومن ولیّ و سرپرست هر مؤمنی هستم.

به دیگر سخن، مسلم نیشابوری، فقط بخشی از حدیث غدیر را که همان مضمون حدیث ثقلین است با اندک تغییری در الفاظ نقل کرده است؛ ولی بخشی را که با خطبه غدیر و نصب امیرالمؤمنین علیه السلام به خلافت بلافصل ارتباط مستقیم دارد، نقل نکرده است. آن جا که می‌فرماید:

من کنت مولاه فهذا علی مولاه؛

هر که من مولا و سرپرست او هستم، پس علی مولا و سرپرست اوست.

ولی با این حال ما از مسلم بن حَجّاج سپاسگزاریم؛ چرا که دست کم همین مقدار از حدیث را به عنوان حدیث غدیر نقل کرده است تا معلوم باشد که رسول خدا صلی اللّه علیه وآله خطبه‌ای به نام خطبه غدیر ایراد فرموده است؛ زیرا بُخاری حتی کلمه‌ای از خطبه مفصل

---

(۱). خصائص امیرالمؤمنین علیه السلام: ۹۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۳۲

غدیر را نقل نکرده است (!!) از این رو جا دارد که از مسلم بن حَجّاج برای همین اندازه از امانت‌داری او تشکّر کرد!

شاید کسی از مسلم بن حجّاج در عدم نقل بخش پایانی حدیث غدیر دفاع کند و بگوید: اساتید مسلم و راویان حدیث، بیش از این مقدار برای او نقل نکرده‌اند. یا بگوید: مسلم بر مبنای شروط و ضوابطی که در کتاب صحیح دارد، سند دیگری از اسانید حدیث غدیر جز این حدیث ناقص دارای آن شرایط نیافته که مشتمل بر همین مقدار از الفاظ است و او در نقل آن مقدار نیز کوتاهی نکرده است.

در پاسخ این دفاع باید گفت: این مطالب، فرضیّه‌ای بیش نبوده و پذیرفتنی نیست؛ ولی با این وجود ما از مسلم بن حَجّاج برای نقل همین مقدار از حدیث به عنوان «حدیث غدیر» تشکّر می‌نماییم.

کوتاه سخن این که بررسی «حدیث غدیر» به فرصت بیشتری نیاز دارد که در این مختصر نمی‌گنجد؛ از این رو ما به ذکر سرفصل‌ها و نکات مهمّ آن اکتفا می‌کنیم.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۳۵

بخش دوم کوشش‌های در اثبات حدیث غدیر ... ص: ۳۵

اثبات حدیث غدیر ... ص: ۳۵

اشارهٔ

در این بخش نکاتی را پیرامون اثبات حدیث غدیر بیان می‌نماییم:

۱. غدیر از دیدگاه قرآن ... ص: ۳۵

درباره واقعه غدیر و اهمیّت این روز، آیاتی از قرآن نازل شده است. پیش از خطبه غدیر این آیه نازل شد:

«یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ»؛ «۱»

ای پیامبر! آن چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است، (به مردم) ابلاغ کن؛ و اگر چنین نکنی، رسالت خدا را انجام نداده‌ای.

---

(۱). سوره مائده: آیه ۶۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۳۶

آن گاه که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله خطبه را به پایان رساند، این آیه کریمه فرو فرستاده شد:

«الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَرَضِیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دیناً»؛ «۱»

امروز دین شما را به حدّ کمال رسانده و نعمت را بر شما تمام کردم و آیین اسلام را برایتان برگزیدم.

هنگامی که خطبه غدیر پایان یافت و مسأله بیعت با امیر مؤمنان علی علیه السلام به طور جدّی مطرح شد، عربی درخواست عذاب نمود و این آیه درباره او نازل شد:

«سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ»؛ «۲»

درخواست کننده‌ای تقاضای وقوع عذابی نمود.

خلاصه شأن نزول این آیه مبارکه چنین است:

پس از آن که واقعه غدیر پایان یافت، شخصی به نام «حارث بن نُعمان فهری» نزد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله آمد و با حالی آشفته به حضرتش چنین خطاب کرد: ما را به نماز گزاردن امر نمودی امتثال کردیم. دستور به پرداخت زکات فرمودی اطاعت کردیم و ... و اکنون

---

(۱). سوره مائده: آیه ۳.

(۲). سوره معارج: آیه ۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۳۷

بازوی پسر عمویت را گرفته و او را به عنوان ولیّ و سرپرست بر ما نصب نمودی! آیا این دستور از پیش خود توست یا از خدا؟

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله در پاسخ فرمود:

والّذی لا إله إلّاهو، هذا من اللَّه؛

به خدایی که جز او معبودی نیست سوگند! این فرمانی از جانب خداوند است.

حارث پشت کرد و به طرف مرکب خود حرکت کرد و می‌گفت:

خدایا! اگر آن چه محمّد می‌گوید حق است، بارانی از سنگ‌های آسمانی بر ما ببار و یا عذاب دردناکی بر ما فرو فرست!

هنوز به مرکبش نرسیده بود که خداوند سنگی فرو فرستاد که بر فرقش خورد و از دامنش بیرون گشت. در این هنگام خداوند این

آیه را نازل فرمود:

«سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ* لِلْكافِرینَ لَیْسَ لَهُ دافِعٌ»؛ «۱»

درخواست کننده‌ای تقاضای وقوع عذابی کرد. این عذاب برای کافران است و هیچ کس نمی‌تواند آن را دفع کند. «۲» این آیه و آیاتی دیگر، درباره واقعه غدیر خمّ است و هر یک از

---

(۱). سوره معارج: آیات ۱ و ۲.

(۲). تفسیر ثعلبی: ۱۰/ ۳۵، شواهد التنزیل: ۲/ ۳۸۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۳۸

این آیه‌ها بحث مستقلّ و جداگانه‌ای را می‌طلبد که به فرصتی بیش از این نیازمند است؛ از این رو پژوهندگان را به منابع مربوط به این آیات ارجاع می‌دهیم.

۲. شمار راویان حدیث غدیر از صحابه ... ص: ۳۸

طبق تحقیقی که انجام یافته است، بیش از یک‌صد و بیست مرد و زن صحابی به نقل حدیث غدیر پرداخته‌اند و محدثان اهل سنّت در کتاب‌هایشان با سلسله سندهای خود حدیث غدیر را از این‌ها نقل کرده‌اند که این روایت‌ها در کتاب‌هایی که به طور مستقل در زمینه حدیث غدیر نوشته شده آمده‌اند.

در میان مورّخان و سیره‌نویسان، نسبت به شمار حاضران در روز غدیر و شنوندگان خطبه رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله اختلاف نظر است که بنا بر برخی از اقوال، شمار حاضران در آن اجتماع، یک‌صد و بیست هزار نفر بوده است و واضح است که با توجّه به این نقل، حدیث غدیر فقط از ۱۱۰۰۰ حاضران، به ما رسیده است.

۳. راویان حدیث غدیر از تابعین ... ص: ۳۸

نکته دیگر این که تعداد راویان حدیث غدیر از تابعین، چند برابر صحابه است. البتّه این امری روشن است؛ زیرا افراد بسیاری از تابعین

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۳۹

این حدیث شریف را از یک صحابی شنیده‌اند و این حدیث را برای تعداد زیادی از شاگردان خود نقل کرده‌اند. از این رو شمار علمای اهل تسنّن در قرون متمادی که در زمره راویان حدیث غدیر به شمار می‌آیند به صدها نفر می‌رسد.

۴. اسناد حدیث غدیر ... ص: ۳۹

حدیث غدیر با سندهای بسیاری نقل شده و فراتر از حدّ تواتر است. از این رو سندهای این حدیث قابل شمارش نیست. سه شاهد بر این مطلب می‌توان ارائه کرد:

نخست. کتاب‌هایی که درباره سندهای حدیث غدیر تألیف شده به حدّی زیاد است که اگر بخواهیم به نام آن‌ها اشاره کرده و نگارندگان آن‌ها را- از علمای بزرگ گذشته- معرفی کنیم، سخن به درازا می‌کشد و در این نوشتار نمی‌گنجد.

دوم. عدّه‌ای از نگارندگان بزرگ اهل تسنّن، با جمع‌آوری احادیث متواتر، کتاب‌هایی در این زمینه تألیف کرده‌اند که «حدیث غدیر» نیز در بسیاری از آن تألیفات، به عنوان حدیثی متواتر ذکر شده است. برای نمونه به ذکر چند مورد اکتفا می‌شود:

۱. جلال الدين عبدالرحمان سيوطی كه يكی از بزرگ‌ترين

علمای اهل تسنن در قرن نهم و دهم و دارای تأليفات بسياری است، چند كتاب جداگانه در احاديث متواتر تأليف نموده و «حديث غدير» را در آن‌ها آورده است. «۱» ۲. مرتضی زبيدی، نويسنده كتاب تاج العروس كه از معتبرترين كتاب‌های لغوی است، يكی از تأليفاتش را به احاديث متواتر اختصاص داده و «حديث غدير» را در آن ذكر كرده است. «۲» ۳. كتّانی نيز كتابی را در احاديث متواتره نگاشته و «حديث غدير» را در آن آورده است. «۳» ۴. شيخ علی متقی هندی، نگارنده كتاب كنز العمّال، كتاب ويژه‌ای در احاديث متواتر نگاشته و «حديث غدير» را در آن آورده است.

۵. ملّا علی قاری هروی نيز كتابی در خصوص احاديث متواتر تأليف نموده است و «حديث غدير» را در آن ذكر كرده است.

بنا بر اين، «حديث غدير» در كتاب‌هايی كه به احاديث متواتر اختصاص دارد موجود است.

سوم. عدّه زيادی از محدّثان و حافظان بزرگ اهل تسنن به تواتر

---

(۱). ر. ک: نظم المتناثر من الحديث المتواتر: ۱۹۵، النصائح الكافيه: ۹۲، نفحات الأزهار: ۸/ ۳۱۹.

(۲). ر. ک: ملحقات احقاق الحق: ۲۳/ ۱۰.

(۳). نظم المتناثر من الحديث المتواتر: ۱۹۴ حديث ۲۳۲.

حديث غدير تصريح نموده‌اند كه برای نمونه به ذكر نام سه نفر از آنان اكتفا می‌شود:

۱. شمس الدين ذهبی، با تعصّب شديدی كه به عقايد اهل تسنّن دارد می‌گويد: حديث غدير متواتر است و من يقين دارم كه رسول خدا صلی اللَّه عليه وآله اين سخن را فرموده است. «۱» ۲. ابن كثير دمشقی نيز در كتاب البدايـة و النّهايه به تواتر «حديث غدير» اعتراف می‌كند. «۲» ۳. حافظ كبير شمس الدين جَزَری نيز در كتاب اسنی المطالب فی مناقب علیّ بن ابی‌طالب عليهما السلام، به تواتر «حديث غدير» اعتراف می‌نمايد. «۳» البته ما در اين جا فقط به چهار نكته اساسی اشاره كرديم كه هر كدام از آن‌ها به تأليف جداگانه‌ای نياز دارد و از حوصله اين نوشتار بيرون است.

---

(۱). سير اعلام النبلاء: ۸/ ۳۳۵.

(۲). البدايـة والنهايه: ۵/ ۲۱۳.

(۳). أسنی المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب عليهما السلام: ۳ و ۴.

نگاهی به راويان حديث غدير ... ص: ۴۲

همان طور كه بيان شد، حديث غدير در اصطلاح «درايـة الحديث» فراتر از حدّ تواتر است و شكّی در صدور آن از رسول خدا صلی اللَّه عليه وآله نيست، آن سان كه شمس الدّين ذهبی به اين مطلب تصريح كرده است؛ ولی اكنون اسامی مشهورترين راويان اين حديث را از پيشوايان و حافظان اهل سنّت در قرون مختلف ذكر می‌نماييم:

۱. محمّد بن اسحاق، نويسنده كتاب سيره ابن اسحاق؛

۲. مَعْمَر بن راشد؛

۳. محمّد بن ادریس شافعی، پیشوای شافعی‌ها؛

۴. عبدالرزّاق بن همّام صنعانی، استاد بُخاری و نگارنده کتاب المصنَّف؛

۵. سعید بن منصور، نویسنده کتاب المُسْنَد؛

۶. احمد بن حنبل شیبانی، پیشوای حنبلی‌ها و نگارنده کتاب المسند؛

۷. ابن ماجه قزوینی، نویسنده یکی از صحاح ششگانه؛

۸. ابوعیسی تِرمذی، نویسنده یکی دیگر از صحاح ششگانه؛

۹. ابوبکر بزّار، نگارنده المسند؛

۱۰. ابوعبدالرحمان نَسائی، نویسنده کتاب سنن، یکی از صحاح ششگانه؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۴۳

۱۱. ابویَعْلی موصلی، نگارنده کتاب المسند؛

۱۲. ابوجعفر محمّد بن جریر طبری، مؤلف دو کتاب مشهور و معروف تفسیر و تاریخ؛

۱۳. ابوحاتِم ابن حِبّان، نویسنده کتاب الصّحیح؛

۱۴. ابوالقاسم طبرانی، نویسنده کتاب‌های معجم صغیر، اوسط و کبیر؛

۱۵. حافظ ابوالحسن دارقُطْنی.

وی در زمان خود پیشوای بغداد بوده است و در میان مشایخ حدیث عامّه، به «امیرالمؤمنین در حدیث» لقب یافته است؛

۱۶. حاکم نیشابوری، نگارنده کتاب المستدرک علی الصّحیحین؛

۱۷. ابن عبدالبَرّ، مؤلّف کتاب الإستیعاب؛

۱۸. خطیب بغدادی، نویسنده کتاب تاریخ بغداد؛

۱۹. ابونعیم اصفهانی، نگارنده کتاب‌های حلیة الاولیاء، دلائل النّبوّة و کتاب‌های دیگر؛

۲۰. ابوبکر بیهقی، نویسنده کتاب السّنن الکبری؛

۲۱. بَغَوی، نگارنده کتاب مصابیح السّنّة؛

۲۲. جاراللّٰه زمخشری، مؤلّف کتاب الکشّاف؛

۲۳. ابن عساکر دمشقی، نویسنده کتاب تاریخ مدینة دمشق؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۴۴

۲۴. فخر رازی، نویسنده کتاب مفاتیح الغیب، معروف به تفسیر کبیر؛

۲۵. ضیاء مَقْدِسی، نویسنده کتاب المختاره؛

۲۶. ابن اثیر جَزَری، نویسنده کتاب أُسْد الغابه؛

۲۷. حافظ کبیر ابوبکر هیثمی، نویسنده کتاب مجمع الزوائد؛

۲۸. حافظ مِزّی از حافظان بزرگ اهل تسنّن، نویسنده کتاب تهذیب الکمال؛

۲۹. حافظ ذهبی، نویسنده کتاب تلخیص المستدرک و کتاب‌های دیگر؛

۳۰. حافظ خطیب تبریزی، نویسنده کتاب مشکاة المصابیح؛

۳۱. نظام الدین نیشابوری، نویسنده کتاب غرائب القرآن در تفسیر؛

۳۲. ابن کثیر دمشقی، نگارنده کتاب تفسیر القرآن العظیم معروف به تفسیر ابن کثیر و کتاب البدایة والنّهایه در تاریخ؛

۳۳. حافظ ابن حجر عسقلانی.

اهل تسنّن او را به «شیخ الاسلام» ملقّب ساخته و یکی از علمای بزرگ آن‌ها به شمار می‌آید که در نقل روایات و استدلال‌هایش مورد اعتماد است. او کتاب‌های زیادی نوشته که مهم‌ترین آن‌ها فتح الباری فی شرح صحیح البُخاری است.

۳۴. عینی حنفی، نویسنده کتاب عمدة القاری فی شرح صحیح البُخاری؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۴۵

۳۵. حافظ جلال الدین سیوطی، نویسنده کتاب‌های بسیار و معروف؛

۳۶. ابن حجر مکّی، نویسنده کتاب الصّواعق المحرقه؛

۳۷. شیخ علی متّقی هندی، نویسنده کتاب کنز العمّال؛

۳۸. شیخ نور الدّین حلبی، نویسنده کتاب السیرة الحلبیّه؛

۳۹. شاه ولیّ اللَّه دهلوی.

وی نویسنده کتاب‌های بسیاری است. اهل سنّت او را «علّامه هند» نامیده، بر کتاب‌هایش اعتماد کرده و از آن‌ها نقل می‌نمایند؛

۴۰. شهاب الدین خفاجی.

وی شخصیّتی محقق ادیب و محدّث است. او کتاب نسیم الرّیاض را در شرح شفاء قاضی عیاض نوشته و تعلیقه مفصّلی بر تفسیر بیضاوی نگاشته است که هر دو از کتاب‌های معتبر در نزد اهل سنّت هستند.

۴۱. مرتضی زبیدی، نویسنده کتاب تاج العروس فی شرح القاموس؛

۴۲. احمد زینی دحلان، نویسنده کتاب السّیرة الدحلانیه؛

۴۳. شیخ محمّد عبده مصری، نویسنده کتاب‌های تفسیر و شرح نهج البلاغه و آثار دیگر.

آری، اینان از مشهورترین و معروف‌ترین راویان «حدیث غدیر» در قرن‌های مختلف هستند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۴۶

چرا اهل سنّت حدیث غدیر را نقل نکرده‌اند ...؟ ص: ۴۶

در پاسخ این پرسش ناگزیریم اشاره‌ای گذرا به این مطلب بنماییم که اگر پژوهش گر با انصاف و آزاداندیش به سندها و متن‌های «حدیث غدیر» توجّه نماید، به قراین بسیاری دست می‌یابد که انگیزه‌های عدم نقل و یا موانع نقل «حدیث غدیر» را به وضوح روشن می‌سازد. ما برای نمونه با ارائه چند متن و با نقل‌های مختلف، به یکی از آن موانع اشاره می‌کنیم.

یکی از راویان چنین می‌گوید: ابن ابی اوفی بینایی خود را از دست داده بود. او را در راه‌رو خانه‌اش دیدم و درباره حدیثی از او پرسیدم.

گفت: به راستی که شما مردم کوفه حالاتی دارید که نمی‌توانیم برایتان احادیث را نقل نماییم.

گفتم: خداوند کارهایت را به سامان برساند! واقعیت آن است که من از آن گروه نیستم و از طرف من مشکلی برای تو ایجاد نخواهد شد.

وقتی خاطرش از جانب من آسوده شد، گفت: کدام حدیث را می‌خواهی برای تو نقل کنم؟

راوی گوید: گفتم: حدیث علی علیه السلام در غدیر خم را «... ۱»

(۱). مناقب علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام، ابن مغازلی: ۱۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۴۷

راوی دیگری می گوید: نزد زید بن ارقم رفتم و به او گفتم: دامادم از تو حدیثی در شأن علی علیه السلام در روز غدیر خم برای من نقل کرده است. من دوست دارم آن حدیث را از خودت بشنوم.

زید بن ارقم در پاسخ گفت: شما مردم عراق حالاتی دارید که مانع از نقل حدیث برای شما می‌شود.

به او گفتم: از طرفِ من مشکلی برای تو ایجاد نخواهد شد.

وقتی از جانب من مطمئن شد، درخواست مرا پذیرفت و گفت:

آری، ما در جُحْفه بودیم ... سپس واقعه را تا آخر نقل نمود.

به او گفتم: آیا رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

اللهمّ والِ مَنْ والاهُ وعادِ مَن عاداهُ؟؛

خدایا! دوست بدار هر که او را دوست بدارد و دشمن باش با کسی که با او دشمنی ورزد.

زید بن ارقم گفت: من آن چه را که شنیدم به تو باز گو کردم. «۱» اکنون اگر این حدیث را که در مسند احمد از زید بن ارقم نقل شده است، با حدیثی که در بخش پیشین از زید بن ارقم آوردیم- که آن نیز در مسند احمد آمده بود- بسنجید، به خوبی درمی‌یابید که در این نقل، از بیان ذیل حدیث که همان جمله دعای رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله

---

(۱). مسند احمد: ۴/ ۳۶۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۴۸

در حقّ دوستان و نفرین آن بزرگوار بر دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام است خودداری شده است، آن جا که فرمود:

فمن کنت مولاه، فإنَّ علیّاً مولاه، اللهمّ عاد من عاداه ووال من والاه؛

هر که من مولا و سرپرست او هستم، پس علی مولا و سرپرست اوست. خدایا! دشمن بدار هر که با علی دشمنی ورزد؛ و دوست بدار آن که با او از در دوستی درآید.

در حالی که همین جمله توسّط خود زید بن ارقم در کتاب مسند احمد- آن سان که گذشت- موجود است.

جالب توجّه این که احمد بن حنبل این دو حدیث را با فاصله چند صفحه آورده است؛ ولی زید بن ارقم در یک حدیث کلام رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله را به طور کامل بیان نمی‌کند و از نقل دعای پایانی حدیث خودداری می‌نماید و در حدیث دیگر، که برای شخص دیگری بوده، حدیث را با دعای پایانی آن نقل می‌نماید.

البتّه ما به زودی متن دیگری را از معجم کبیر طبرانی، خواهیم آورد که زید بن ارقم این حدیث را به طور کامل و با دعای پایانی آن برای شخص سومی بیان می‌کند.

پیش از نقل روایت زید بن ارقم از معجم کبیر طبرانی، به کیفیّت نقل

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۴۹

زیر نیز توجّه نمایید!

راوی می‌گوید: به سعد بن ابی وَقّاص- که یکی از راویان حدیث غدیر و از بزرگان صحابه به شمار می‌رود، و به پندار اهل تسنّن یکی از ده نفری است که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله مژده بهشت به آنان داده است!- گفتم: می‌خواهم درباره مطلبی از تو سؤال نمایم؛ ولی از تو تقیّه می‌کنم! «۱» سعد گفت: هر چه می‌خواهی بپرس؛ زیرا من عموی تو هستم.

راوی گوید: گفتم: جایگاه رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در میان شما در روز غدیر چگونه بود...؟

سعد بن ابی وَقّاص شروع به نقل حدیث نمود. «۲» به شرایط حاکم بر مردم آن زمان درباره حدیث غدیر توجّه کنید! به راستی با چه مشکلات و سختی‌هایی این حدیث را از اصحاب رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله که در آن واقعه حضور داشتند اخذ می کردند.

تا آن جا که راوی می گوید: می‌خواهم مطلبی از تو بپرسم؛ ولی از تو تقیّه می کنم!

در نقل دیگری که طبرانی در معجم کبیر نقل کرده است این گونه

---

(۱). توجّه دارید که چگونه حتّی خودشان از یک‌دیگر تقیّه می کردند.

(۲). کفایهٔ الطّالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام: ۶۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۵۰

می‌خوانیم. راوی می گوید: عدّه‌ای در اطراف زید بن ارقم حلقه زده بودند. شخصی در بین آنان ایستاد و گفت: آیا زید در میان شماست؟

گفتند: آری، این شخص زید بن ارقم است.

آن شخص گفت: ای زید! تو را به خدایی که معبودی جز او نیست سوگند می‌دهم! آیا از رسول خدا شنیدی که درباره علی فرمود: مَنْ کُنْتُ مَولاهُ فَعَلیٌّ مولاهُ، اللهمّ والِ مَنْ والاهُ وعادِ مَنْ عادَاهُ؟

زید گفت: آری.

او پس از دریافت این پاسخ از جماعت دور شد.

گویا موقعیّت این گونه بوده است که وقتی شخصی می‌خواهد حقیقت قضیّه را دریابد، چاره‌ای ندارد جز این که پرسش خود را با سوگند همراه نماید تا این که زید بن ارقم به احترام سوگندی که او را داده است! واقعه را همان گونه که از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله شنیده است بیان کند.

تواتر لفظی حدیث غدیر ... ص: ۵۰

با توجه به آن چه بیان شد، سند ومتن «حدیث غدیر» بررسی شد و دانستیم که این حدیث از احادیث متواتر است؛ بلکه به مراتب فراتر از حدّ تواتر است. اکنون می‌خواهیم این تواتر را اثبات کنیم. تواتر- آن

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۵۱

سان که در مباحث مربوط به آن آمده است- بر سه قسم است:

۱. تواتر لفظی؛

۲. تواتر اجمالی؛

۳. تواتر معنوی.

با توجّه به این که گروهی از دانشمندان اهل سنّت حدیث غدیر را در کتاب‌هایی که به احادیث متواتر تعلق دارد، نقل کرده‌اند، روشن می‌شود که این حدیث- با همان متنی که گذشت- دارای تواتر لفظی است که خود نکته مهمّی است؛ زیرا دانشمندان علم حدیث و درایه اهل سنّت می گویند که تواترِ لفظی در احادیث نبوی جدّاً اندک است، به گونه‌ای که گفته‌اند: فقط یک حدیث متواتر لفظی داریم و آن گفتار پیامبر صلی اللَّه علیه وآله است که می‌فرماید:

إنَّما الأعمالُ بالنیّات؛

کردارها فقط در گرو نیت‌هاست.

گاهی به این حدیث، حدیث دیگری نیز می‌افزایند.

آنان می گوینـد: احادیثی که از پیامبر خـدا صـلی اللَّه علیه وآله رسـیده گرچه متواترنـد؛ ولی تواتر معنوی یا اجمالی دارنـد. البته این سخن در بیشتر احادیثی که بتوانیم به پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله به طور قطع و یقین نسبت دهیم جاری است؛ ولی- هم چنان که مشاهده می‌شود و با

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۵۲

قراینی که ذکر شد- «حدیث غدیر» از احادیث متواتر لفظی است و این مطلب به خاطر اهمیتش قابل دقّت است.

شیخ عبدالعزیز دهلوی در کتاب تحفه اثنا عشریّه، «۱» می گوید:

اگر حـدیثی به حـدّ تواتر رسـید و صدورش از رسول خدا صـلی اللَّه علیه وآله قطعی شد، در حکم آیه قرآن خواهد بود؛ پس همان گونه که قرآن کریم قطعیّ الصـدور و از جـانب خداونـد متعـال است و جـایز نیست واژه‌ای از آن رد و یـا باطل شود و هر که چنین کنـد کـافر خواهـد بود و تردیـدی در این مطلب نیست؛ چرا که با تواتر قطعی به دست ما رسـیده است؛ همان طور هر حـدیثی که با سندهای قطعی و یقینی و در حدّ تواتر از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به ما برسد، به منزله آیه‌ای از آیات قرآن خواهد بود.

نتیجه کلام دهلوی پیرامون حدیث غدیر این می‌شود که فرمایش رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله که فرمود: مَنْ کُنْتُ مَولاهُ فَهذا عَلِیٌّ مَولاهُ؛ از ایـن جهـت که به صـدور آن از پیـامبر اکرم صـلی اللَّه علیه وآله قطـع و یقین داریم؛ هماننـد آیه‌ای از آیـات قرآن بـوده و تکذیب و رد آن حرام است.

---

(۱). این کتاب به صورت اختصار، به زبان عربی و به قلم آلوسـی بغدادی و با پاورقی‌های یکی از دشـمنان دین چاپ و منتشـر شده است. وی در این پاورقی‌ها با دشـنام و کلمات نامربوط، بغض و کینه خود را به اهل بیت علیهم السلام و شیعیان آن بزرگواران ابراز داشته است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۵۳

حدیث غدیر بیان‌گر امامت امیرالمؤمنین ... ص: ۵۳

علیه السلام

اکنون پس از اثبـات تواتر «حـدیث غـدیر»، می‌خواهیم چگونگی دلالت این حـدیث شـریف را بر باور شـیعه که امامت امیرالمؤمنین علیه السلام است بررسی کنیم.

خلاصه استدلال بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام این گونه است:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در واقعه غدیر ابتدا با اشاره به آیه کریمه: «النَّبِیُّ أَوْلی بِالْمُؤْمِنِیْنَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»؛ «۱»

«پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر است» از حاضران اقرار گرفت که آن بزرگوار نسبت به مؤمنان از خودشان اوْلی و سزاوارتر است.

آن چه از این آیه کریمه استفاده می‌شود این است که در تمام اموری که مردم از طرف شارع نسبت به آن امور ولایت وحقّ تصرف دارند، پیامبر نسبت به مردم در آن امور، اولی و سزاوارتر است؛ از این رو آن حضرت نیز از مردم بر همین معنا اقرار گرفت، آن گاه از این اقرار نتیجه گرفت و فرمود:

فمن کنت مولاه فعلی مولاه؛

پس هر که من مولا و سرپرست او هستم، علی مولا و سرپرست اوست.

(۱)

. سوره احزاب: آیه ۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۵۴

در متن دیگری آمده است که فرمود:

فمن کنت ولیّه فعلیّ ولیّه؛

پس هر که من ولی و سرپرست او هستم، علی ولی و سرپرست اوست.

در متنی دیگر نیز آمده است که فرمود:

فمن کنت أمیره فعلیّ أمیره؛

پس هر که من امیر او هستم، علی امیر اوست.

بنا بر این رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله اولویّتی را که بر مردم به حکم قرآن داشت، همان اولویت را برای امیرالمؤمنین علیه السلام نیز ثابت فرمود.

آن گاه همه مردم با امیرالمؤمنین علیه السلام به فرمان رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بر همین امر بیعت کردند و بر آن حضرت با لقب «امیرالمؤمنین» سلام دادند و به او تهنیت گفتند و اشعاری نیز در این زمینه از شاعران مشهور آن زمان در همان مجمع سروده شد.

باید دانست که محور استدلال به «حدیث غدیر» واژه «مَوْلی» است و این واژه در زبان عرب به معنای «اوْلی» استعمال شده است که هم در قرآن کریم به کار رفته است، آن جا که می‌فرماید:

«فَالْيَوْمَ لايُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلا مِنَ الَّذينَ كَفَرُوا مَأْواكُمُ النَّارُ هِيَ

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۵۵

مَوْلاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصيرُ»؛ «۱»

پس امروز نه از شما فدیه‌ای پذیرفته می‌شود و نه از کفرورزان؛ جایگاهتان آتش است و همان شایسته شماست و چه بد سرانجامی است.

و هم در احادیث معتبر رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله، به خصوص در صحیح بُخاری و صحیح مسلم و در اشعار و کاربردهای ادبی زبان عربی فصیح آمده است.

اکنون با در نظر گرفتن این شواهد، استدلال به «حدیث غدیر» بر اساس قرآن کریم، احادیث رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله و کاربردهای ادبی زبان عربی فصیح تمام خواهد بود.

بنا بر مقتضای «حدیث غدیر»، امیر مؤمنان علی علیه السلام نسبت به هر مؤمنی- جز رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله- از خود مؤمن اولی و شایسته‌تر است؛ چه ایمان آن مؤمن واقعی باشد یا ادّعایی و چه او از بزرگان صحابه و رؤسای قبایل عرب باشد و یا از دیگر مردم.

ناگفته نماند که در مقابل این استدلال، دیدگاه علمی مخالفان را نیز باید در نظر گرفت که ما این مطلب را در بخش سوم بررسی خواهیم کرد.

(۱). سوره حدید: آیه ۱۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۵۶

چکیده ... ص: ۵۶

تاکنون بیان شد که برای «حدیث غدیر» ریشه‌هایی اساسی در قرآن کریم، روایات قطعیّ الصدور از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله- که مورد اعتراف فریقین است- و اخبار و آثار وجود دارد.

مناظرات و احتجاجات بسیاری به «حدیث غدیر» از جانب امیر مؤمنان علی علیه السلام، پاره تن رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فاطمه زهراء، ائمّه اطهار علیهم السلام، بزرگان صحابه و دانشمندان صورت گرفته است.

هم چنین «حدیث غدیر» را شعرای بزرگ صحابه و حتی شعرای قرون مختلف سروده و در اشعارشان آورده‌اند.

آری، حدیث غدیر دارای جایگاه قابل توجّهی است و از چنین اصول و ریشه‌هایی مستحکم و غیر قابل تردید برخوردار است. ما اگر بخواهیم عنان قلم را در این نوشتار رها سازیم، نیازمند مجالی بسیار وسیع‌تر از این نوشتار است؛ چرا که مناظره‌هایی که درباره «حدیث غدیر» صورت گرفته، خود به تنهایی نیازمند نوشتاری جداگانه است.

به گونه‌ای که مطالب گفتنی و شنیدنی پیرامون احتجاج حضرت صدّیقه طاهره، فاطمه زهرا علیها السلام به «حدیث غدیر»، بیش از محتوای این

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۵۷

نوشتار است. فاطمه زهرایی که پاره تن رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله است، و این خصوصیّت موضوعی نیست که به سادگی بتوان از آن چشم پوشید و اهمیّتش را نادیده گرفت.

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در ضمن حدیثی فرمود:

فاطمهٔ بضعهٔ منّی؛

فاطمه پاره تن من است.

این حدیث در کتاب‌های صحیح شش گانه و منابع معتبر دیگر اهل سنّت آمده است؛ حدیثی که در نزد آنان ثابت شده و معتبر است.

به خاطر همین سخن رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله، عدّه بسیاری از بزرگان اهل تسنّن تصریح کرده‌اند که حضرت فاطمه زهراء علیها السلام از همه افراد امّت حتّی ابوبکر و عمر برتر است؛ در حالی که آنان مقام امیرالمؤمنین علیه السلام را بعد از عثمان بن عفّان، و عثمان را پس از شیخین می‌دانند و افضلیّت و برتری را بدان گونه که خلافت صورت گرفته است می‌پندارند.

البتّه این مطلب میان اهل تسنّن مشهور است؛ ولی عدّه‌ای از آنان به خاطر سخنی که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در فضیلت و برتری حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بیان فرموده، آن انسیّه حوراء را بر

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۵۸

شیخین نیز برتری داده‌اند. «۱» مطالبی که درباره اثبات سند، متن و دلالت «حدیث غدیر» مطرح شد، با چشم پوشی از شواهد بسیاری است که در متن حدیث غدیر وجود دارد؛ شواهد بسیاری که در روایات قطعی الصدور از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله آمده است که از آن جمله می‌توان به «حدیث ولایت» اشاره کرد که خود بحث مفصّل و مستقلی می‌طلبد. «۲»

---

(۱). ما در این مورد و به لحاظ اهمیّت خاصی که دارد، کتاب جداگانه‌ای تحت عنوان مظلومیت برترین بانو نگاشته‌ایم و این کتاب چندین بار تجدید چاپ شده است.

(۲). در این مورد نیز کتابی تحت عنوان نگاهی به حدیث ولایت از سلسله پژوهش‌های اعتقادی چاپ شده است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۶۱

بخش سوم تلاش‌های ناکارآمد برای بی اعتبار کردن حدیث قدیر ... ص: ۶۱

تلاش‌های ناکارآمد ... ص: ۶۱

اشارهٔ

در این بخش، به گوشه‌ای از تلاش‌های عالمان اهل تسنّن در توجیه واقعه تاریخی غدیر می‌پردازیم.
بزرگان اهل سنّت راه‌هایی را برای توجیه این واقعه به کار برده‌اند تا مفاد این حدیث شریف با اتفاقات پس از رحلت رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله منافات نداشته باشد؛ ولی آن‌ها با انکار یکی از قطعی‌ترین سنّت‌های رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله خود را از مصادیق این آیه شریفه قرار داده‌اند و به دوران جاهلی باز گشته‌اند. آن سان که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:
«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَن يَنْقَلِبْ عَلَى عَقِبَيْهِ فَلَن يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً»؛ «۱»

---

(۱). سوره آل عمران: آیه ۱۴۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۶۲

محمّد صلی اللَّه علیه وآله فقط فرستاده خداست و پیش از او فرستادگان دیگری نیز بودند آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب باز می‌گردید (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت برمی‌گردید)؟ و هر کس به جاهلیت باز گردد هرگز به خدا ضرر نمی‌زند.

اینک به بخشی از تلاش‌های ناکارآمد آنان در برابر حدیث غدیر اشاره می‌نماییم.

۱. علی علیه السلام در حجّهٔ الوداع نبوده است ...! ص: ۶۲

پیش از طرح این مسأله، جای شگفتی و خنده است که اهل سنّت به چنین مسأله‌ای پرداخته‌اند. آنان ادّعا می‌کنند که علی بن ابی‌طالب هنگام حجّهٔ الوداع در یمن بوده و به هنگام حضور رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در مناسک حجّ و مراجعت از مکّه، در کنار آن حضرت نبوده است. بنا بر این تمام احادیثی که درباره واقعه غدیر خمّ (این که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله دست علی علیه السلام را گرفت و او را به عنوان خلیفه و جانشین خود به مردم معرفی کرد و فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه») دروغ محض است!؛ چرا که علی در یمن بود.

تعجّب نکنید اگر بگوییم که گوینده این سخن سخیف و بی‌اساس فخر رازی است؛ ولی جای بسی خوش‌بختی است که

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۶۳

ابن حجر مکّی نویسنده کتاب الصواعق المحرقه، این ادّعا را مردود دانسته است. «۱» هم چنین شرح کنندگان احادیث نبوی صلی اللَّه علیه وآله که اهل سنّت در فهم احادیث به آن‌ها مراجعه می‌کنند این سخن را ردّ کرده‌اند.

روش ما در پژوهش‌های علمی، این است که به کتاب‌های عالمانی هم چون: مَناوی (نگارنده فیض القدیر)، شیخ علی قاری (شارح شفاء قاضی عیاض و نگارنده مرقاهٔ در شرح مشکات) و از شرح‌هایی که نوشته شده است نیز به شرح مواهب لدّنیّه (نگارش زرقانی مالکی) مراجعه کنیم؛ چرا که اینان شارحان و عالمان بزرگ در علم حدیث هستند و سخنان و نظریه‌های آنان در شرح و بیان معانی

احادیث در نزد اهل سنّت حجّت است. ما با مراجعه به اینان به سخنانشان احتجاج می‌کنیم و اهل تسنّن را به وسیله سخنان علمای خودشان ملزم می‌نماییم.

به عنوان نمونه ملّا علی قاری در کتاب المرقاة می‌نویسد:

نبود علی علیه السلام در مکه کلامی باطل است؛ زیرا در تاریخ ثابت شده است که علی علیه السلام از یمن برگشته بود و در حجّة الوداع همراه

(۱). الصواعق المحرقه: ۲۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۶۴

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله حضور داشت. «۱» از طرفی در کتاب‌های صحیح ششگانه، مسندهای اهل سنّت و منابع دیگر- آن جا که واقعه خروج از احرام در حجّ را ذکر کرده‌اند- به این مطلب تصریح کرده‌اند که علی علیه السلام در حجّة الوداع همراه رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بوده است.

از این رو سخن فخر رازی که علی علیه السلام در آن زمان در یمن بوده است، از جهت دیگری نشان‌گر صحّت حدیث غدیر بوده و بر امامت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت کامل دارد.

۲. مناقشه در صحّت حدیث غدیر ... ص: ۶۴

راه دیگری که اهل سنّت برای بی‌اعتبار کردن «حدیث غدیر» پیموده‌اند، اشکال کردن در صحّت حدیث غدیر است. برخی از آنان از جمله فخر رازی گفته‌اند: ما صحّت حدیث غدیر را نمی‌پذیریم.

در پاسخ به این مناقشه، در گذشته یادآور شدیم که عدّه بسیاری از بزرگان اهل تسنّن به تواتر «حدیث غدیر» تصریح نموده و این حدیث شریف را در کتاب‌هایی که فقط به نقل احادیث متواتر پرداخته و به همین علّت تألیف شده است، ذکر کرده‌اند.

(۱). مرقاة المفاتیح فی شرح مشکاة المصابیح: ۵/ ۵۷۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۶۵

۳. ادّعای عدم تواتر «حدیث غدیر ...» ص: ۶۵

از راه کارهای ناکارآمد دیگری که برای بی‌اعتبار کردن حدیث غدیر صورت گرفته، ادّعا شده است که حدیث غدیر متواتر نیست. ابن حزم اندلسی و بعضی از پیروانش قائل به عدم تواتر «حدیث غدیر» هستند و از معاصران نیز شیخ سلیم بشری مالکی مصری، در نامه‌ای که به سیّد شرف الدّین رحمه اللَّه می‌نویسد، چنین می‌نگارد:

شما شیعیان قائلید که امامت، اصلی از اصول دین است و شکّی نیست که اصول دین جز با خبرهای متواتر و یا دلیل‌های قطعی ثابت نمی‌شود و ما در تواتر «حدیث غدیر» با شما موافق نیستیم. در نتیجه امامت علی با حدیث غدیر ثابت نمی‌شود.

به عبارت دیگر، اینان صحّت حدیث غدیر را پذیرفته‌اند؛ ولی در تواتر آن اشکال کرده‌اند. پس اگر تواتر حدیث غدیر تمام نشود، استدلال به امامت علی علیه السلام نیز تمام نخواهد شد؛ زیرا حدیثِ ظنی، گرچه صحیح و معتبر باشد؛ ولی نمی‌تواند اصلی از اصول دین را ثابت کند؛ زیرا اصول دین ناگزیر باید با قطع و یقین ثابت شود و حدیث ظنّی، مفید قطع نبوده و نخواهد توانست امر قطعی را ثابت کند.

در پاسخ این اشکال می گوییم: در صورتی این ایراد وارد است که تواتر «حدیث غدیر» ثابت نشود؛ ولی ما اهل سنّت را ملزم می کنیم که

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۶۶

پیشوایان بزرگ آن‌ها افرادی چون: ذهبی، ابن کثیر، ابن جَزَری، سیوطی، کتّانی، زبیدی، متّقی هندی و شیخ علی قاری بر تواتر «حدیث غدیر» تصریح کرده‌اند.

از طرفی در شرح حال ابن حزم اندلسی نوشته‌اند که وی از نواصب بوده و با اهل بیت علیهم السلام دشمنی داشته است. در احوالات او می‌نویسند: شمشیر حَجّاج بن یوسف ثقفی (در دشمنی با علی علیه السلام) با زبان ابن حزم دو برادرند که از یک مادر زاده شده‌اند. شقی‌تر از ابن حزم کسانی هستند که از او پیروی کرده و سخنان باطل این شخص ناصبی را مستند آرای خود قرار داده‌اند.

البتّه کمبود فرصت از قلم فرسایی بیشتر در این باره جلوگیری می کند؛ وگرنه به برخی از سخنان باطل این مرد اشاره می‌کردیم که بنا بر این گفته‌هایش می‌توان به کفر او حکم کرد.

بنا بر این با اعتراف بزرگان و پیشوایان اهل تسنّن به تواتر «حدیث غدیر»، این اشکال نیز از کار افتاد.

۴. آیا کلمه «مَوْلی» در کلام عرب به معنای «اوْلی» آمده است ...؟ ص: ۶۶

اساسی‌ترین اشکال اهل سنّت بر دلالت «حدیث غدیر» این است که دلالت این حدیث بر مدّعای شیعه وقتی تمام است که کلمه «مَوْلی»

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۶۷

- که در حدیث شریف آمده است- در استعمالات فصیح عرب به معنای «اوْلی» آمده باشد.

پیرامون این اشکال شیخ عبدالعزیز دهلوی، صاحب کتاب تحفه اثنا عشریّه می‌نویسد: به اتّفاق اهل لغت، واژه «مَوْلی» به معنای «اوْلی» استعمال نشده است. وی با این ادّعا، «حدیث غدیر» را از دلالتش بر مدّعای شیعه ساقط کرده و ادّعا می کند که هیچ یک از اهل لغت واژه «مولی» را به معنای «اولی» به کار نبرده‌اند.

ما با سه روش به عبدالعزیز دهلوی و همفکرانش پاسخ می‌دهیم:

۱. حدیث شریف غدیر تنها با واژه «مَوْلی» نقل نشده است؛ بلکه با واژگانی هم چون: «ولیّ»، «امیر» و مانند این دو نیز آمده است که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد.

۲. پیش‌تر تذکّر دادیم که

الحدیثُ یُفَسِّرُ بَعْضُهُ بعضاً؛

برخی از حدیث‌ها، برخی دیگر را تفسیر و بیان می‌نمایند.

بنا بر این بر فرض این که واژه «مَوْلی» در «حدیث غدیر» مبهم باشد، با استفاده از نقل‌های دیگر ابهامی که آنان مدّعی هستند برطرف شده و در نتیجه، اشکال وارد بر حدیث شریف منتفی خواهد شد.

۳. آن چه که اساس و بنیان اشکال اهل سنّت را فرو می‌ریزد این

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۶۸

است که در قرآن کریم «۱» و احادیث صحیحی که در کتاب‌های اهل تسنّن؛ از جمله صحیح بُخاری و صحیح مسلم موجود است واژه «مَوْلی»، به معنای «اوْلی» به کار رفته است.

گفتنی است که ورود در این بحث به طور تفصیلی و در پرتو استدلال به قرآن، روایات، اشعار فصیح عرب و کاربردهای ادبی زبان

عرب به مجال وسیع‌تری نیاز دارد که ما در این مجال فقط به ذکر اسامی عـدّه‌ای از بزرگان تفسیر، لغت و ادب اهل تسنّن بسنده می‌کنیم که اینان تصریح کرده‌اند که واژه «مَوْلی»، در لغت عرب، به معنای «اوْلی» آمده است:

۱. ابوزید انصاری، لغوی معروف؛

۲. ابوعبیده بصری (معمّر بن مثنّی)؛

۳. ابوالحسن اخفش؛

۴. ابوالعبّاس ثعلب؛

۵. ابوالعبّاس مُبرِّد؛

۶. ابواسحاق زجّاج؛

۷. ابوبکر بن انباری؛

۸. ابونصر جوهری، نویسنده کتاب معروف صِحاح اللّغهٔ؛

---

(۱). ر. ک صفحه ۵۶ همین کتاب.

۹. جار اللَّه زمخشری، نویسنده تفسیر معروف کشّاف؛

۱۰. حسین بَغَوی، نویسنده کتاب تفسیر مصابیح السنّهٔ؛

۱۱. ابوالفرج ابن جوزی حنبلی؛

۱۲. ناصرالدّین بیضاوی، نگارنده کتاب معروف تفسیر بیضاوی؛

۱۳. نَسَفی، نویسنده کتاب معروف تفسیر نَسَفی؛

۱۴. ابوالسّعود عمادی، نویسنده تفسیر معروف ابوالسُّعود؛

۱۵. شهاب الدّین خفاجی، صاحب حاشیه مفصّل بر تفسیر بیضاوی؛

هم چنین برخی از بزرگان لغت و ادب در توضیحاتی که بر تفسیر بیضاوی نوشته‌اند بر این مطلب تصریح نموده‌اند. به نظر می‌رسد که تصریح همین مقدار از دانشمندان بزرگ اهل تسنّن در پاسخ به این اشکال کافی است.

کوتاه سخن این که: واژه «مولی» در قرآن کریم به کار رفته و به «أولی» تفسیر شده است، آن جا که خداوند متعال می‌فرماید:

«هِیَ مَوْلاکُمْ وَبِئْسَ الْمَصیرُ»؛ «۱»

جایگاه شما آتش است و همان شایسته شماست و چه بد جایگاهی است.

مفسّران در تفسیر این آیه گفته‌اند:

---

(۱). سوره حدید: آیه ۱۵.

هی أولی بکم وبئس المصیر؛

آتش شایسته شماست و چه بد جایگاهی است.

البته در این زمینه احادیث بسیاری رسیده است و این مطلب در اشعار عربی فصیح نیز آمده و در واژگان لغویان نیز بیان شده است. «۱»

۵. «حدیث غدیر» بر امامت بلا فصل، دلالت نمی‌کند ...! ص: ۷۰

آن گاه که اهل سنّت نتوانستند با روش‌های علمی «حدیث غدیر» را بی‌اعتبار سازند، دلالت آن را زیر سؤال بردند و گفتند: ما دلالت «حدیث غدیر» را بر امامت علی علیه السلام و این که او به سان پیامبر صلی اللّه علیه وآله به مؤمنان از خودشان شایسته‌تر است، می‌پذیریم؛ ولی این حدیث به خلافت بلافصل او دلالت ندارد؛ بلکه بر خلافت آن حضرت پس از عثمان بن عفّان- همان طوری که در خارج واقع گردیده است- دلالت می‌کند و منظور پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله از این حدیث، خلافت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از عثمان و در مرتبه چهارم است!

باید دانست که اهل سنّت ابوبکر و عمر را بر عثمان، برتری و تفضیل می‌دهند؛ ولی در این که آیا علی علیه السلام افضل است یا

---

(۱). برای آگاهی بیشتر از موارد استعمال واژه «مَوْلی» به معنای «اوْلی»، می‌توانید به کتاب: نفحات الأزهار فی خلاصهٔ عبقات الانوار- بخش «حدیث غدیر» - مراجعه نمایید.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۷۱

عثمان، اختلاف دارند! و برخی از آنان، علی علیه السلام را بر عثمان برتری می‌دهند.

البتّه ما با استناد به کتاب‌های اهل تسنّن، می‌توانیم اثبات کنیم که طبق احادیثی که در فضایل خلفای سه گانه آمده عثمان برتر از شیخین است.

در این صورت اگر عثمان بر شیخین برتری داده شود و علی علیه السلام هم از عثمان افضل باشد- آن سان که عدّه زیادی از بزرگان اهل تسنّن بر این عقیده‌اند- به طور قطع و یقین، امیرالمؤمنین علیه السلام از همه امّت افضل خواهد بود و این خود یکی از ادلّه امامت و خلافت بلافصل آن بزرگوار خواهد بود.

در هر صورت، اهل تسنّن با این اشکال، دلالت «حدیث غدیر» را بر خلافت بلا فصل نفی کرده و می‌گویند «حدیث غدیر» فقط خلافت علی علیه السلام را بعد از عثمان بن عفّان ثابت می‌کند.

پاسخ از اشکال ... ص: ۷۱

ما این اشکال را از سه جهت پاسخ می‌دهیم و می‌گوییم:

نخست. ادّعای آنان که «حدیث غدیر» بر خلافت علی علیه السلام بعد از عثمان دلالت می‌کند، به دلیل‌های قطعی و مقبول در نزد شیعه و سنی نیاز دارد که امامت ابوبکر، عمر و عثمان را پس از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله ثابت کند و تا چنین امری ثابت نشود، این

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۷۲

اشکال وارد نخواهد بود. بدیهی است که اگر طبق اعتقاد آنان یک حدیث قطعی و یقینی و مورد اتفاق طرفین بود، نزاعی بین شیعه و سنّی نمی‌ماند. با این که چنین حدیثی بر اثبات خلافت سه خلیفه پیشین وجود ندارد. بنا بر این اصل این اشکال، به تعبیر علمی «مصادره به مطلوب» «۱» و بطلان چنین استدلالی روشن است.

دوم. بنا بر مضمون «حدیث غدیر»، علی علیه السلام از این سه نفر نیز نسبت به خودشان اوْلی و شایسته‌تر است؛ زیرا با توجه به آن چه بیان شد، همان اولویّتی که رسول خدا صلی اللّه علیه وآله بر امّت داشت، بدون کم و کاست و بر طبق مفاد «حدیث غدیر»، برای امیرالمؤمنین علیه السلام ثابت است.

سوم. طبق روایات صحیحی که وارد شده است ابوبکر، عمر و عثمان در روز عید غدیر و به هنگام بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام، امامت و خلافت آن حضرت را تبریک و تهنیت گفتند. عمر بن خطّاب در آن روز به امیر مؤمنان علیه السلام این گونه خطاب کرد:

بَخٍّ بَخٍّ لک یا علیٌّ! أصبحت مولای ومولی کلّ مؤمن ومؤمنهٔ؛

مبارك بر تو ای علی! مولای من و هر مرد و زن مؤمن گردیدی.

این تبریك و تهنیت عمر یکی از مشهورترین عبارات و ورد

---

(۱). مصادره به مطلوب به معنای مدّعی را عین دلیل قرار دادن است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۷۳

زبان همگان است؛ هم چنان که عمر بن خطّاب در هفتاد مورد اعتراف کرد و گفت:

لولا علیٌّ لهلك عمر؛

اگر علی نبود، عمر هلاك شده بود.

از این اعتراف عمر نیز هر عالم و جاهل و هر بزرگ و کوچکی حتی کودکان باخبرند.

حال آنان این روایات را چگونه توجیه می‌کنند؟ و با وجود چنین شواهدی چگونه «حدیث غدیر» را نشان‌گر بر امامت علی علیه السلام بعد از عثمان می‌دانند؟

به راستی آیا بیعت سه خلیفه نخست در روز غدیر با امیر مؤمنان علی علیه السلام به خلافت بعد از عثمان مقیّد بوده است؟!

در هر صورت این اشکال نیز فایده‌ای ندارد و آنان متوجّه این موضوع هستند.

۶. آیا «حدیث غدیر» بر امامت باطنی دلالت می‌کند ...؟ ص: ۷۳

آخرین تیری که در ترکش برای خصم مانده این است که برخی از اهل تسنّن امامت را به دو بخش تقسیم کرده‌اند:

۱. امامت باطنی؛

۲. امامت ظاهری.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۷۴

امامت باطنی- که امامت در نزد متصوّفه نیز همین است- همان امامت در معنا و قضایای معنوی و امور باطنی است و به پندار برخی از اهل تسنّن، علی علیه السلام امام مسلمانان و خلیفه بلا- فصل رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله در امور باطنی است و سه خلیفه نخست، همان خلفای ظاهری بر مسلمانان هستند و حقّ حکومت و امر و نهی دارند که امّت باید مطیع آنان بوده و از اوامر و نواهی آنان اطاعت کنند.

اینان چنین می‌گویند. گویی امر امامت و ریاست عامّه بر امّت امری است که به نظر آنان موکول شده است تا به اختیار خود، آن را به دو قسم نمایند؛ سپس هر بخشی را به هرکه می‌پسندند و هوای نفسشان به آن طرف مایل است عطا کنند؛ به گونه‌ای که بخشی را به حضرت علی علیه السلام و فرزندانش علیهم السلام عطا نمایند و بخش دیگری را به خلفای سه گانه، آن گاه به معاویه؛ سپس به یزید و پس از آن به متوکّل و ... تا امروز ارزانی دارند. گویی امر امامت در اختیار آنها و روی هوا و هوس آن‌هاست که به علی علیه السلام بگویند: تو امام به این معنا هستی و تو فلانی امام به معنای دیگر.

گویا اینان سخن خداوند متعال را نشنیده‌اند ویا شنیده‌اند؛ ولی خود را به ناشنوایی می‌زنند که می‌فرماید:

«وَرَبُّکَ یَخْلُقُ مَا یَشَاءُ وَیَخْتَارُ مَا کَانَ لَهُمُ الْخِیَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۷۵

وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ»؛ «۱»

پروردگارت هر چه را بخواهد می‌آفریند و اختیار می‌کند و آنان [در برابر او] اختیاری ندارند. خدا از شرک آنان منزّه و برتر است.

آیا این بیان تهدیدآمیز آیه کریمه و حکم نمودن به شرک کسانی که برای خود حقّ اختیار قائلند، برای جلوگیری از خودکامگی کسانی که مدّعیِ اعتقاد به قرآن هستند کافی نیست؟

البتّه به طور کامل روشن شد که این اشکال به مَضحکه شبیه‌تر است تا سخن علمی، و نهایت چیزی که از این اشکال استفاده می‌شود، این است که اهل تسنّن از هر گونه مناقشه قابل قبولی در دلالت «حدیث غدیر» عاجز گشته‌اند که به این مطالب واهی پناه آورده‌اند.

خداوند متعال می‌فرماید:

«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيما شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيماً»؛ «۲»

به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن نخواهند بود، مگر این که در اختلافات خود، تو را به داوری برگزینند و پس از داوری تو،

---

(۱). سوره قصص: آیه ۶۸.

(۲). سوره نساء: آیه ۶۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۷۶

در دل خود احساس ناراحتی نکرده و کاملًا تسلیم باشند.

این پژوهش را با دعای قرآنی به پایان می‌بریم که:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»؛ «۱»

خدایا! به ما در دنیا نیکی عطا کن، و در آخرت نیز نیکی عطا فرما، و ما را از عذاب آتش حفظ فرما.

و می‌گوییم:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لِهذا وَما كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لاأَنْ هَدانَا اللَّهُ»؛ «۲»

ستایش ویژه خداوندی است که ما را به این (هدایت‌ها) رهنمون شد و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود، ما از راه یافته‌گان نبودیم.

آری، خدای سبحان را سپاسگزاریم که ما را از پیروان ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام و فرزندان معصوم او قرار داد و پایانی‌ترین فراخوانی ما همان سپاس بی‌پایان از پروردگار جهانیان است و درود خدا بر محمّد و خاندان پاک آن حضرت باد.

---

(۱). سوره بقره: آیه ۲۰۱.

(۲). سوره اعراف: آیه ۴۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۷۷

کتابنامه ... ص: ۷۷

۱. قرآن کریم.

«الف»

۲. أسنی المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام: حافظ شمس الدین جزری.

«ب»

۳. البدایهٔ والنهایه: حافظ ابی فداء اسماعیل بن کثیر، دار احیاء التراث عربی، بیروت، لبنان، چاپ نخست، سال ۱۴۰۸.

«ت»

۴. تحفه اثنا عشریه: شاه عبدالعزیز دهلوی، نورانی، کتابخانه، پیشاور، پاکستان.

«ج»

۵. الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قُرْطُبی): محمد بن احمد انصاری قرطبی، دار احیاء التراث عربی، افست از چاپ دوم.

«خ»

۶. خصائص أمیرالمؤمنین علی علیه السلام: عبدالرحمان احمد بن شعیب نَسائی، دار الثقلین، قم، چاپ نخست، سال ۱۴۱۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۷۸

«ص»

۷. صحیح: مسلم بن حجّاج نیشابوری، مؤسسه عز الدین، بیروت، لبنان، چاپ نخست، سال ۱۴۰۷.

۸. الصّواعق المُحرقه: ابن حجر هیتمی مکّی، مکتبهٔ القاهره، قاهره، مصر.

«ف»

۹. فضائل الصحابه: احمد بن حنبل شیبانی، جامعهٔ ام القری، مرکز البحث العلم واحیاء التراث الاسلامی، مکه، عربستان سعودی، چاپ اول، سال ۱۴۰۳.

«ک»

۱۰. کفایهٔ الطّالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام: محمّد بن یوسفی گنجی شافعی.

«م»

۱۱. مجمع الزوائد و منبع الفوائد: نورالدین علی بن ابی‌بکر هیثمی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

۱۲. مرقاهٔ المفاتیح فی شرح مشکاهٔ المصابیح: ملا علی قاری هروی حنفی.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۷۹

۱۳. المستدرک: حاکم نیشابوری، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.

۱۴ مسند احمد: احمد بن حنبل شیبانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۱۵.

۱۵. المناقب: ابن مغازلی، دار الأضواء، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۲۱۴.

«ن»

۱۶. نفحات الأزهار فی خلاصهٔ عبقات الأنوار: آیهٔ اللّه سید علی حسینی میلانی، قم، نشر الحقایق، چاپ دوم، سال ۱۴۲۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌غدیر، ص: ۸۰

(۱۳)

A Glance

on Ghadir Narration

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکَمْ وَ أَنْفُسِکَمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکَمْ خَیْرٌ لَکَمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹